فقه و اصول
سال پنجاهم، شماره ۳، شمارهٔ پیاپی ۱۱۴
پاییز ۱۳۹۷، ص ١٤٦-١٢٧



Journal of Fiqh and Usul
Vol. 50, No. 3, Issue 114
Autumn 2018
DOI: 10.22067/jfu.v50i3.62743

نقدی فقهی بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر *

دکتر عباس کلانتری خلیل آباد[1]
دانشیار دانشگاه میبد
Email: abkalantari@meybod.ac.ir
دکتر نفیسه متولی زاده نائینی
استادیار دانشگاه میبد
Email: motavallizade@meybod.ac.ir
صدیقه گلستان رو
دانش آموخته دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه میبد
Email: golestanroo4722@yahoo.co

چکیده

تجارت مواد مخدر، پدیده‌ای است که سال‌ها جامعه بشری را تهدید می‌کند و قانون‌گذاران در کشورهای گوناگون، در پی راهکاری برای پیشگیری از وقوع آن و برخورد با مرتکبان این جرم هستند. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز با سیاست جنایی سرکوبگرانه و تعیین مجازات سنگین با این پدیده مجرمانه مواجه شده است. یکی از مجازات‌هایی که در این باره تعیین شده، مجازات اعدام است. پرسشی که در این باره مطرح می‌شود، آن است که آیا تعیین مجازات سنگین مرگ برای تجارت مواد مخدر از دیدگاه فقه اسلام درست است؟ مبنای فقهی آن چیست؟ از دیدگاه حقوقی آیا چنین تقنینی، موجه است؟ پژوهشگران در این پژوهش با بررسی مبانی فقهی و حقوقی به نقد این شیوه قانون‌گذاری کیفری درباره مواد مخدر پرداخته و در پی اثبات این مطلب هستند که تجارت مواد مخدر یک جرم تعزیری است. تعیین مجازات اعدام به گونه‌ای که در قانون مبارزه با مواد مخدر آمده است، پشتوانه فقهی محکمی ندارد و نیازمند اصلاح است.

کلیدواژه‌ها:

مواد مخدر، مجازات اعدام، قانون مبارزه با مواد مخدر، مفسد فی الارض

---

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹٦/۰۵/۰۷.
۱ . نویسنده مسئول

۱. مقدمه

قانون گذاری یکی از مهم ترین مراحل در حقوق کیفری است، زیـرا جـرم انگـاری و تعیـین مجـازات متناسب با آن، در این مرحله صورت می‌گیرد. مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی بـر مبنـای فقـه اسـلام تعیین می‌شود. بر مبنای احکام جزایی اسلام حاکم و قانون گذار جامعه اسلامی در تعیین جرایم منجـر بـه تعزیر و میزان تعزیر آزاد است، از این رو درباره جرایم تعزیری حاکم می‌تواند بر مبنای مصـلحت اقـدام بـه تعیین تعزیر و مجازات حبس، تازیانه یا جزای نقدی کند.

اما درباره تعیین مجازات اعدام، قانون گذار چنین آزادی ندارد، زیرا یکی از مجازات‌هایی که بی تردیـد از کیفرهای حدی شمرده می‌شود، مجازات مرگ است و تعزیر تنها در قلمرو کمتر از حد، برای قانون گذار مجاز دانسته شده است. آن چه به صراحت محدودیت مجازات اعدام در اسلام را نشـان مـی‌دهـد، سـخن خداوند بلند مرتبه درباره قتل انسان‌ها است که می‌فرماید: «و لا تقتلوا النفس التـي حـرّم اللـه إلا بـالحق» (اسراء:۳۳ و انعام:۱۵۱) و نفسی را که خداوند حرام کرده است، جز به حق مکشید.

صدور و اجرای مجازات مرگ همواره با اما و اگرهای فراوان همراه بوده است، زیرا از یک سـو مجـازات سالب حیات نقطه پایان زندگی یک انسان و حادثه‌ای غیر قابـل جبـران اسـت و ایـن مجـازات همـواره بـا آسیب‌هایی همراه بوده، همچون بحران ناشی از مرگ یکی از افراد خانواده، نبودن پدر یا مـادر و ... کـه چـه بسا منجر به بیماری‌های روحی این اشخاص و جرایم جدید گردد و حذف یک انسان که می‌توانـد موجـب تحمیل هزینه‌های حمایتی بر دولت گردد، از سوی دیگر مجـازات اعـدام اقـدامی بـرای از میـان برداشـتن مجرمین خطرناک است، زیرا گاهی میزان آسیب‌های اجتماعی ناشی از یک جرم، به اندازه‌ای اسـت کـه در آیین اسلام برای مرتکب آن، مجازات مرگ تعیین شده، در واقع این مجازات مبتلا به تضاد میان حقوق فرد و اجتماع است و به همین دلیل از سوی برخی مکاتب حقوقی مورد ایراد قرار گرفتـه و در بسـیاری از قـوانین کشورهای جهان حذف شده است، با توجه به این امور و این که یکی از ایرادهای مهمی که از سوی جوامع غیراسلامی به آیین اسلام وارد می‌شود، قانون گذاری و اجرای مجازات مرگ اسـت. اگـر اعـدام مطـابق بـا آموزه‌های صحیح اسلامی و با رعایت تمام محدوده‌های آن صورت نگیرد، ایـن امـر موجـب تبلیـغ منفـی جهانی بر ضد دین اسلام می‌شود، در حالی که اگر از منابع اصیل اسلامی، احکام و محدوده دقیق حکم به مجازات مرگ مشخص شود، چنین پیامدهایی نخواهد داشت.

یک دسته از جرایمی که منجر به مجازات مرگ می‌شوند، جـرایم مـواد مخـدر هسـتند کـه سالهاسـت جمهوری اسلامی ایران با سیاستی سرکوبگرانه و خشن با این دسته جرایم برخورد نموده است، با این حـال درباره این جرایم و کاهش آمار جنایی آن بهبودی دیده نمی‌شود.

چندین سال است که بحث مجازات اعدام برای مواد مخدر و آمار بالای اعدامیان این جرایم محل بحث در جامعه ایران است، بسیاری از اعدام‌ها در ایران به خاطر جرایم مربوط به مواد مخدر است، از این رو بررسی این دسته جرایم و قانون گذاری مجازات اعدام درباره آن‌ها اهمیت دو چندان می‌یابد. نگارندگان در این پژوهش بر آن هستند ادله و مستندات این دسته جرایم و مجازات مربوط به آن‌ها را مورد بررسی فقهی قرار دهند و به بررسی فقهی و حقوقی جرم انگاری و تعیین مجازات اعدام درباره جرایم مواد مخدر بپردازند.

۲. مبانی فقهی جرم انگاری مواد مخدر

با توجه به تعیین مجازات اعدام برای موارد متعددی در جرایم مواد مخدر، این پرسش مطرح می‌شود که؛ آیا قرار دادن مجازات اعدام برای این دسته از جرایم با مبانی فقهی همخوانی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش در ادامه به بررسی مبانی فقهی این دسته از جرایم پرداخته می‌شود.

نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه نمود، آن است که؛ بیشتر مواد مخدر از جمله مسائل مستحدثه هستند و در قرآن و روایات مستندی ندارند، از این رو باید به موارد مشابه آن یعنی احکام مربوط به مسکرات مراجعه نمود، از این رو نخست به تعریف این مواد و شباهت و تفاوت مخدرات و مسکرات پرداخته می‌شود.

ریشه‌ی مسکر از واژه سکر به معنی مستی و زوال عقل آمده است. (اصفهانی، ۴۱۶) مسکر اسم فاعل است از باب اسکار، اسکار به معنی مست کردن و مایه‌ی مستی شدن است و مسکر به معنی مست‌کننده است. مخدرات یا مخدر از کلمه الخدر گرفته شده که بمعناي ضعف سستي ، نرمي و ناتواني است همچنین به معناي سردي نیز آمده و معانی ترس، کندي، حيراني، تردد، تنبلي، بي غيرتي و بی همتی را در بر می گیرد، (ابن منظور، ۲۳۲/۴) و همه این صفات در شخص معتاد به مواد مخدر پیداست. می‌توان گفت مواد مخدر، موادی دارای عناصر تحريك كننده یا تسکین دهنده هستند که در غیر موارد طبی یا صنعتی به کار برده شود و مصرف این مواد شخص را به مداومت و معتاد شدن بکشاند.

۱-۲. شباهت و تفاوت مواد مخدر و مسکرات

بین مواد مخدر و مسکرات شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که در تعیین احکام مربوط به این امور اهمیت به سزایی دارند.

الف) شباهت‌ها

مهم‌ترین وجوه اشتراک که بین مسکرات (خمر) و مواد مخدر وجود دارد، به شرح ذیل می‌باشد:

الف) بین مواد مخدر و خمر (شراب) نقطه‌ی مشترکی وجود دارد که آن، عبارت است از این‌که هـر دو در فساد و تباهی عقل و پدید آوردن سستی در اعضا و بدن مشترک هستند و در ضمن هر دو باعث به وجود آوردن افکار پلید و فاسدی می‌گردند که منجر بـه ارتکـاب برخـی از جـرائم و جنایـات می‌شـود. ایـن امـر واقعیتی است که تحقیقاتی که به‌صورت میدانی بـر معتـادان انجام‌گرفتـه، آن را بـه اثبـات رسـانیده اسـت. (طیار، ۸۹)

ب) مصرف مسکرات و مواد مخدر هرکدام بـه گونـه‌ای باعـث اعتیـاد و وابسـتگی فـرد مصـرف‌کننده می‌شود. (همان)

ج) مواد مسکر و مخدر هرکدام به گونه‌ای ویژه باعـث ایجـاد تحریـک و انگیـزش در بـدن می‌گردنـد. مخدرها به عنوان آرامش‌دهنده و مشروبات الکلی به‌عنوان محرک‌های نشاط‌آور.

د) استعمال هر یک از مخدرات و مشروبات الکلی بر سیستم اعصاب مرکزی تأثیر می‌گذارد.

هـ) استعمال هریک از مسکرات و مواد مخدر در افراد با ویژگی‌های مختلف، به میزان متفاوتی باعـث فقدان شعور و آگاهی و گاهی موجب از بین رفتن قدرت تمییز و تشخیص می‌شود.

و) استعمال هر یک از مواد مخدر یا مسکر باعث ضرر رساندن به‌سـلامتی افـراد می‌شـود و همچنـین زیان‌های روانی، جسمی و اجتماعی را در پی دارد. (فتحی بهنسی، ۲/ ۳۹۶-۳۹۴)

ز) تأثیر مسکر و مخدر بر یک شخص فرق می‌کند، همچنین از نظر کمیت تأثیر آن در افراد مختلـف، متفاوت است. ولی آنچه بدون هیچ شبهه‌ای مسلم است، این است که تأثیر مواد مخدر از تأثیر مسکر اگـر بالاتر و بیشتر نباشد، کمتر هم نیست. (طیار،۱۴)

ب) تفاوت‌ها

مواد روان‌گردان و مخدر و مسکرات (خمر) در موارد متعددی باهم دیگر متفاوت هستند که مهم‌تـرین آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

الف) الکل موجود در مسکرات با عنوان بهترین حلال شیمیایی مورداسـتفاده قـرار می‌گیـرد، امـا مـواد مخدر این‌گونه نیستند.

ب) مواد مخدر برای تسکین دردها و بیماری‌ها به‌عنوان آرام‌بخش و مسکن استفاده می‌شود، امـا الکـل این‌گونه نیست.

ج) مواد مخدر مستقیماً بر خودمصرف کننده تأثیر می‌گـذارد، امـا مشـروبات الکلـی، صـرفاً موجـب تحریک و هیجان و احساس شور و نشاط در شخص می‌شود و گاهی شخص را بـرای مـاجراجویی و فتنـه آماده می‌سازد.

د) مواد مخدر در عمل‌های جراحی با عنوان بیهوش کننده و داروهای بی‌حس‌کننده مورداستفاده قرار می‌گیرد، اما مسکرات این‌گونه نیستند. (همو)

هـ) در خصوص مشروبات الکلی، ذات مسکر حالاتی مانند، طرب، شادی، احساس هیجان، عربده‌کشی، خشم و احساس زور و قدرت به شارب مسکر دست می‌دهد، ولی از ذات تخدیر عکس این حالات؛ یعنی احساس رخوت، ضعف و سستی، سکوت، خواب و بیهوشی به فرد مصرف‌کننده‌ی مواد مخدر، دست می‌دهد.

پس صحیح است که هر مخدری را مسکر بدانیم. به‌عنوان‌مثال می‌توان گفت که بنج و امثال آن، مسکر و مخدر هستند، اما صحیح نیست بگوییم که هر مسکری، مخدر هم می‌باشد؛ بنابراین جایز نیست که بگوییم خمر؛ مسکر و مخدر است. (هلالی، ۱۴۵) البته این سخن قابل نقد است که بتوان هر مخدری را مسکر دانست، زیرا تفاوت‌ها مانع این گونه قضاوت کردن می‌شود که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

البته تفاوت و شباهت‌های دیگری نیز میان مخدرات و مسکرات وجود دارد، اما موارد بیان شده از اهم این امور هستند.

۳. مسکر بودن یا نبودن مواد مخدر و روان‌گردان

درباره الحاق یا عدم الحاق حکم مخدرات و روان گردان به مسکرات میان فقها دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده است. فقهای مذاهب اسلامی، درباره‌ی چگونگی و تطبیق مواد مخدر اختلاف‌نظر دارد که آیا این مواد، مواد سکرآور و نشئه‌آور هستند و به مسکرات ملحق می‌گردند؟ یا این مواد تنها مخدرند و به مسکرات ملحق نمی‌شوند؟

شهید اول در این باره می‌گوید: آن چه بر اثر مصرف آن عقل آدمی از بین می‌رود، بر چند قسم است: اگر به همراه از بین رفتن عقل، حواس پنج‌گانه نیز از بین برود، این ماده مرقد (خواب‌آور) است، چنان چه با از بین رفتن عقل، حواس پنج‌گانه از بین نرود، بلکه حالت شادی و نشاط در انسان ایجاد شود، این ماده سکرآور است. اگر با از بین رفتن عقل، احساس شادی و سرور پیدا نشود آن ماده فساد آور است مانند بنگ. علمای معاصر و گذشته اتفاق دارند استعمال حشیش، حرام است و این حکم یا به خاطر فساد آن است، پس استعمال کننده مشمول مجازات تعزیر قرار می‌گیرد، یا این تحریم به خاطر سکرآور بودن آن است که در این صورت بر استعمال کننده حد شرعی واجب می‌شود. موادی مانند حشیش، خلط‌های مخفی در بدن را هر چه باشد برمی‌انگیزد، مثلاً کسی که صفرا داشته باشد، صفرایش تیزتر می‌شود، کسی

که بلغم دارد، سنگینی و خاموشی به او دست می‌دهد و کسی که دارای سودا است، گریه و پریشانی بر او عارض می‌شود و در برخی حالت خاموشی و سکوت ایجاد می‌شود، بر خلاف خمر که از گریه و خاموشی دور است. این امور اگر صحیح باشد، تعارضی با زوال عقل ندارد، بلکه زوال عقل را تاکید می‌کند. (شهید اول، القواعد و الفوائد، ۲/ ۷۴-۷۳) یعنی شهید به وجود دو دیدگاه و ثمره آن اشاره نموده اند، یعنی اگر حرمت به خاطر مسکر بودن باشد، موجب حد و در غیر این صورت و اگر به خاطر فسادآور بودنش باشد، منجر به تعزیر خواهد شد.

مسکرات با مرقدات و مفسدات در سه چیز فرق دارند؛ لزوم اجرای حد، نجس بودن و حرام بودن مقدار اندکی از آن؛ مرقد و مفسد، حد ندارد و نجس نیست و کسی که افیون یا بنگ به همراه دارد، اجماعا نمازش باطل نیست و مصرف اندکی از آن نیز جایز است، پس مصرف یک حبه بنگ، افیون یا شوکران جایز است تا جایی که به اندازه تأثیرگذاری بر عقل یا حواس انسان نرسد. (قرافی، ۲۱۸)

برخی فقها ملاک را در اقامه حد، مسکر بودن دانسته اند، هر مسکری جامد باشد یا مایع ملحق به خمر است مانند حشیش. (امام خمینی، تحریرالوسیله، ۲/ ۱۶۶؛ علامه حلی، ۳/ ۳۳۲) صاحب جواهر درباره مسکرات می‌گوید: در فهم معنای مسکر، همانند دیگر الفاظ به عرف مراجعه می‌شود، عبارت است از آن چه موجب اختلال در نظم کلام می‌شود و راز پنهان را آشکار می‌کند یا عقل را تغییر می‌دهد و ایجاد شادمانی و انرژی در بیشتر اشخاصی که خورده اند، می‌گردد. آن چه تنها عقل را تغییر می‌دهد و حواس خمسه را از بین ببرد، مرقد است، در غیر این صورت، مانند بنگ، مفسد عقل است. عرف بین مسکر و مخدر و مرقد، تفاوت را پذیرفته است و آن‌ها را یکی نمی‌داند. (٤٤٩/٤١) با توجه به این که تشخیص موضوعات احکام، هنگامی که شارع درباره آن ساکت است، به عرف واگذار شده است، صاحب جواهر نیز با استناد به همین قاعده به تشخیص مسکر از غیر آن پرداخته است. این بهترین دیدگاه است و با این ملاک نمی‌توان مواد مخدر را مسکر دانست، بلکه قلمرو آن‌ها جداگانه است.

از سویی استعمال کنندگان خمر همه مست و مسرور و از حالت خاموشی و گریه به دور هستند. نوشندگان شراب در حالت مستی شروع به عربده‌کشی می‌کنند، طغیانگر می‌شوند، به کارهایی هجوم می‌برند که در حالت هوشیاری چنین کاری را انجام نمی‌دهند؛ اما استعمال کنندگان مواد مخدر از قبیل حشیش وقتی دورهم جمع می‌شوند چنین چیزی بین آن‌ها اتفاق نمی‌افتد، بلکه افسرده و خاموش می‌باشند. عربده‌کشی‌هایی که از شراب‌خوار شنیده می‌شود، از این‌ها شنیده نمی‌شود. از این رو مواد مخدر از مفسدات هستند. (قرافی، ۲۱۸) در کنار سخن صاحب جواهر که عرف را حاکم بر تشخیص مسکر و مخدر دانست و توجه به قاعده درء می‌توان این نکته را پذیرفت که جدا دانستن مسکرات از مخدرات و در

نتیجه پذیرفتن تعزیر برای استعمال مخدرات دیدگاه بهتری است.

سید محمد باقر صدر تیزبینانه تفاوت مسکر و مخدر را بیان نموده است، ایشـان دلیـل حرمـت شـرب خمر را اسکار و مست کنندگی و دلیل حرمت مخدرات را ضرر آن‌ها می‌داند. (۳/ ۳۶۸-۳۶۷)

شایان ذکر است که به‌طورکلی در مذهب امامیه، فقها بر حرمـت اسـتعمال مـواد مخـدر و روان‌گـردان اتفاق‌نظر دارند. (باصری، ۶۱) و فقهای معاصر بر حرمت مواد مخدر اجماع دارند، برای نمونه می‌توان بـه دیدگاه برخی از فقها اشاره نمود: هروئین حرام است و ارتزاق به آن جـایز نیسـت و اعتیـاد بـه تریـاك جـایز نیست و معتاد در صورت عدم لزوم ضرر (یعنی اگر ضرر نداشته باشد) باید آن را ترك کند و خرید و فروش یا کشت منوط است به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست. (خمینی، استفتائات: ۳۷- ۳۵)

استعمال مواد مخدر و استفاده از آن‌ها مطلقا حرام است، به خاطر ضررهای فردی و اجتمـاعی کـه بـر آن‌ها مترتب است و به همین جهت خرید و فروش و جابجایی و نگهداری آن‌ها هم حـرام اسـت، مگـر در مورد معالجه مرض، آن هم با تشخیص پزشک ماهر و مورد اعتماد که در این صورت، استعمال آن به مقدار ضرورت اشکالی ندارد. (خامنه ای، ۱۱۰) اسـتعمال مـواد مخـدر و خریـد و فـروش آن‌هـا حـرام اسـت و استعمال دخانیات نیز اگر زمینه اعتیاد را ایجاد کند، حرام است و معتاد در صورت عدم ضرر باید آن را ترک کند و خرید و فروش یا کشت منوط است به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست. (لنکرانی، ۲۱۹)

اما حکم حرمت ملازمه‌ای با مسکر بودن مواد مخـدر و روان گـردان، نـدارد. از ایـن رو الحـاق مـواد مخدر و روان گردان به مسکرات و قلمرو حدود، صورت نمی‌گیرد و این امر با تفسیر مضیق قوانین جزایی و عدم جواز قیاس در حدود نیز همخوانی دارد.

۴. تعزیر یا حد بودن تجارت مواد مخدر و روان گردان

همان گونه که در مواد قانون مبارزه با مواد مخدر، دیده می‌شود، مجازات‌ها بـرای حمـل و نگهـداری و خرید و فروش مواد مخدر است، برای پی بردن به حکم مربوط به تجارت مواد مخدر و روان گردان نیز باید به موارد همانند و نزدیک به آن یعنی آرای فقها درباره تجارت مسکرات مراجعه نمود.

نخستین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که؛ حکم تجارت مسکرات چیست تا در پی آن بتوان حکم تجارت مواد مخدر و روان گردان را استخراج نمود. درباره حکم به حرمت خرید و فروش خمر و مسکرات، میان فقها اختلافی دیده نمی‌شود، اما مسئله خرید و فروش مسکرات طی دو شاخه بیـان شـده است؛

الف) خرید و فروش خمر (شراب انگوری): مسلمین بر حرمت خمر به معنای شراب انگوری کـه

مست کننده باشد، اجماع دارند. (طوسی، خلاف، ۵/ ۴۷۴) از سویی یکی از اموری که موجب تحقق جرم ارتداد می‌شود، حلال شمردن یکی از محرمات اجماعی همچون؛ مرده، خون، زنا، گوشت خوک، است که در این صورت اگر مرتد فطری باشد، کشته می‌شود وگرنه توبه داده می‌شود و اگر توبه نکرد، کشته می‌شود. (شهیداول، لمعه دمشقیه، ۲۴۲) با توجه به این دو حکم، روشن می‌شود که هر کس خمر را حلال بشمارد مرتد است و حکم مرتدین برای او اجرا می‌شود. (ابن ادریس حلی، ۳/ ۴۷۶) پس شراب انگوری از این جهت که مورد اتفاق همه مسلمین قرار دارد، از دیگر مسکرات جدا می‌شود.

اما حکم خرید و فروش خمر بستگی به اعتقاد طرفین معامله دارد؛ اگر با اعتقاد به حلیت خرید و فروش نماید، فقها دو دیدگاه را ارائه داده اند؛ گروهی معتقدند: هر کس خمر را خرید و فروش کند توبه داده می‌شود، بدون توجه به فطری یا ملی بودن، و گرنه کشته می‌شود. (طوسی، نهایه، ۷۱۳-۷۱۲، سلار، ۲۵۹) اما دیدگاه بهتر آن است که چون تحریم خمر از ضروریات دین اسلام است و هر ضروری که حلال شمرده شود، حلال شمارنده کافر است و چنین شخصی مرتد به شمار می‌آید و به ملی و فطری تقسیم می‌شود. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۴/ ۴۶۹) و این دیدگاه با مبانی فقه سازگارتر است، زیرا توبه، ویژه مرتد ملی است و جدا کردن حکم ملی و فطری، دیدگاه درستی است.

اما اگر کسی فقط خمر را خرید و فروش نماید، بدون اعتقاد به حلیت، تحریمش معلوم نیست زیرا در شرایط اضطراری و برای حفظ جان نوشیدن خمر جایز است. (نجفی اصفهانی، ۴۱/ ۴۶۷) از این رو کسی که خمر را خرید و فروش می‌کند و حلال نمی‌شمارد، تعزیر می‌شود. (محقق اردبیلی، ۱۳/ ۲۰۵) پس خرید و فروش خمر فقط با اعتقاد به حلیت و با وجود شرایط ویژه آن، مستوجب مجازات مرگ است.

ب) خرید و فروش دیگر مسکرات: اما درباره مسکرات دیگر همچون فقاع که مسلمین بر حرمت آن‌ها اجماع ندارند، حلال شمارنده آن‌ها کشته نمی‌شود، چون شبهه وجود دارد و مسلمین درباره آن اختلاف دارند و بعضی آن را حلال می‌دانند و همین نکته برای کافر ندانستن کسی که آن را حلال می‌داند، کافی است، چون از ضروریات دین اسلام نیست. بلکه چنین شخصی به خاطر ارتکاب حرام، تعزیر می‌شود. (شهید ثانی، ۱۴/ ۴۷۰) پس خرید و فروش مسکرات بجز خمر موجب حکم قتل نیست، حتی اگر توبه نکند، بلکه تأدیب می‌شود. (علامه حلی، ۳/ ۵۵۲) مهم ترین و تنها دلیل تعزیر کسی که غیر خمر را خرید و فروش می‌نماید، اختلاف مسلمین درباره حرمت غیرخمر است که موجب می‌شود از ضروریات دین اسلام نباشد و مرتکب آن، مرتد شمرده نشود و گذشته از آن صرف خرید و فروش خمر موجب تعزیر است، پس به طریق اولی خرید و فروش غیر خمر نیز موجب تعزیر است و حد ندارد.

با توجه به حکم فقهی مسکرات و این که خرید و فروش غیر خمر، تعزیر دارد، حکم خرید و فروش

مواد مخدر و روان گردان روشن می‌شود، زیرا حتی اگر حرمت و مسکر بودن این مواد را با وجـود اخـتلاف دیدگاه‌ها بپذیریم، باز هم خرید و فروش این مواد تعزیر خواهد داشت و مستوجب حد نیست، زیرا مصرف این مواد حتی اگر آن را ملحق به مسکرات بدانیم، یقینا شرب خمر شمرده نمـی‌شـود و از ضـروریات دیـن اسلام که حلال شمردنش منجر به ارتداد می‌شود نیز محسوب نمی‌گردند، پس حلال شمردن مواد مخدر و روان گردان موجب ارتداد نمی‌شود، از سویی زمانی که خرید و فروش مسکرات غیر خمر که برای بسیاری از آن‌ها نص شرعی داریم و حتی خمر که از ضروریات اسلام اسـت، خریـد و فروشـش بـدون اعتقـاد بـه حلیت، مستوجب تعزیر است، به طریق اولی خرید و فـروش مـواد مخـدر و روان گـردان یقینـا مسـتوجب تعزیر است.

۵. شرعی یا غیر شرعی بودن مجازات اعدام برای تجارت مواد مخدر

از آن جا که خرید و فروش مواد مخدر و روان گردان از تعزیرات شمرده می‌شود، باید به قواعد حاکم بر تعزیرات توجه نمود. قاعده حاکم بر میزان مجازات‌های تعزیری «التعزیر دون الحد است» که بر مبنـای آن تعزیر در کمتر از حد ممکن است. (شیخ مفید، ۷۹؛ سید مرتضی، ۵۱۳، امام خمینی، تحریرالوسیله،ج۲، ۴۹۸) فقهای اهل سنت نیز در موارد تعیین تعزیر برای جرایمی مانند نزدیکی با چهارپایان، حکم تعزیر کم تر از حد را بیان نموده اند. (ابن حزم، ۱۱/ ۳۸۶؛ نووی، ۲۸/۲۰) و تعزیر بنابر تعریـف مشـهور بـه معنـای کیفری است که شارع اندازه معینی برای آن مشخص نکـرده اسـت. (محقـق حلـی، ۴/ ۹۳۲) البتـه گـاهی شارع اقدام به تعیین تعزیر نموده است، اما در موارد دیگر که شارع اقدام بـه تعیـین مجـازات ننمـوده، امـر تعزیر و تعیین مجازات تعزیری بر عهده حاکم قرار داده شده است، مشخص نمودن این کـه کـدام گناهـان موجب تعزیر هستند و تعیین مقدار مجازات تعزیری، بر عهده حاکم است. که از آن به « التعزیـر بمـا یـراه الحاکم» نام برده می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۵۲)

با توجه به این مطالب و از آن جا که یکی از کیفرهایی که به طور یقینی از مجازات‌های حـدی شـمرده می‌شود، اعدام است. مهم ترین و کم ترین دستاورد حاصل از قاعده التعزیر دون الحد، این است که؛ هیچ کس را نمی‌توان از طریق تعزیر اعدام کرد. (محقق داماد، ۲۱۸) بر همین مبنا است که هیچ یـک از فقهـای شیعه به جـواز قتـل مجـرمین بـه عنـوان تعزیـر، فتـوا نـداده انـد. (انصـاری، ۲۳۶) زیـرا اعـدام از جملـه مجازات‌های حدی است و حاکم موظف است، در صدور حکم به مجازات تعزیری، ملاک کمتر از حد را رعایت نماید.

با این مقدمات روشن می‌شود؛ تعیین مجازات اعدام برای جرمی که تعزیری شمرده می‌شود، با مبـانی

فقهی سازگاری چندانی ندارد و از دیگر سو با توجه به قاعده احتیاط در دماء و این که چنین مجازاتی باید به طور یقینی و با ادله یقینی صادر گردد، با ایراد جدی مواجه است و این قانون نیازمند بازبینی است. زیرا مستندی از جمله دلیل قطعی یا اماره شرعی برای صدور حکم اعدام به خاطر ارتکاب جرایم مواد مخدر وجود ندارد، در نتیجه درباره جواز یا عدم جواز صدور حکم تردید ایجاد می‌شود و در این باره قاعده احتیاط در دماء، مجرای عمل می‌یابد و بر طبق آن بدون دلیل یقینی نمی‌توان چنین حکمی را قانون گذاری و در پی آن اجرا نمود، از این رو بهتر است قانون گذار برای حل این مشکل اقدام به تعیین مجازات‌های دیگری برای این گونه جرایم بنماید. تعیین مجازات مرگ برای یک جرم تعزیری؛ آن هم حمل و جابجایی مواد مخدر، به این صورت و با این گستردگی، به شدت با قاعده احتیاط در دماء، تعارض دارد و این قاعده مانعی جدی برای اجرای چنین مجازاتی است.

قانون گذار در تعیین مجازات‌های تعزیری با محدودیتی که در تعیین مجازات‌های حدی روبرو است، روبرو نمی‌باشد، زیرا تعیین آن به حاکم سپرده شده است. اگر ایراد گرفته شود که حاکم به عنوان تعزیر می تواند اقدام به مجازات اعدام نماید، باید به این نکته توجه نمود که؛ حتی اگر اعدام در تعزیر را هم روا بدانیم، قاعده درء به عنوان مانعی برای تعیین و اجرای مجازات مرگ برای تجارت مواد مخدر و روان گردان، وجود دارد. زیرا در قانون مبارزه با مواد مخدر و تعیین مجازات مرگ برای برخی از مرتکبین این جرایم، از آن جا که فقها درباره خرید و فروش مشروب بدون اعتقاد به حلیت، حکم به عدم اجرای حد داده اند. (طوسی، النهایه، ۷۱۲) قانون گذار با تردید روبرو می‌شود و این حکم، واردکننده شبهه جدی بر تدوین و وضع چنین موادی است، آن هم درباره مواد مخدر و روان گردان که درباره الحاق یا عدم الحاق آ ن به مسکرات اختلاف وجود دارد. با وجود شبهه برای قانون گذاری و اجرای مجازات اعدام برای مرتکبین تجارت مواد مخدر و روان گردان، قاعده درء مانع این روند خواهد بود و مواد مربوط به مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر نیازمند بازبینی و اصلاح است، اما مجازات‌های حبس و جزای نقدی چون تعزیری و وابسته به دیدگاه حاکم اسلامی است، از این جنبه با ایراد و اشکالی روبرو نیستند.

۶. مفسد فی الارض بودن یا نبودن قاچاقچی مواد مخدر

شاید برخی این اشکال را مطرح نمایند که حکم اعدام قاچاق مواد مخدر به خاطر افساد فی الارض است! در پاسخ به این دیدگاه می توان گفت: درباره تعریف و تعیین قلمرو جرم افساد فی الارض و این که آیا این جرم جدا از محاربه است و یا یکسان هستند، میان فقها دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است و در این باره اتفاق ندارند.

گذشته از روایات، مستند اصلی جرم انگاری محاربه و افساد فی الارض، قرآن کریم است که می‌فرماید: «إنما جزاء الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الأرض فساداً أن يقتلوا أو يصلبوا أو تقطع أيديهم و أرجلهم من خلاف أو ينفوا من الأرض ذلك لهم خزي في الدنيا و لهم في الآخرة عذاب عظيم» (مائده: ۳۳) «سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند، این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.»

در این آیه خداوند بلندمرتبه پس از بیان «إنما جزاء الذين يحاربون» جمله «يسعون في الأرض فساداً» آمده است که مشخص می‌کند منظور از محاربه، فساد در زمین است از راه اخلال در امنیت عمومی و راهزنی، و امنیت عمومی فقط با ایجاد ترس عمومی و قرار گرفتن ترس به جای امنیت، مختل می‌شود. ترس عمومی نیز طبعا و عادتا فقط از راه به کارگیری سلاح و تهدید به قتل ایجاد می‌شود، از این روست که فساد در زمین در روایات به کشیدن شمشیر و سلاح‌های کشنده دیگر تفسیر شده است. (طباطبائی، ۱۲۷-۱۲۶) پس این آیه به جرم محاربه اشاره نموده و افساد فی الارض را ویژگی آن دانسته، یعنی این آیه یک جرم را بیان می‌نماید، محاربه به قصد افساد فی الارض که این برداشت با روایات و فهم فقها هماهنگ است. (هاشمی، ۱۹۶-۱۹۵) پس این آیه فقط محاربه را بیان می‌کند، حتی اگر محاربه را جرمی جداگانه بدانیم، در این آیه نوع خاصی از افساد فی الارض بیان شده است. با استناد به این آیه تنها می‌توان قاچاق مسلح مواد مخدر که موجب ترس مردم و سلب امنیت شود را جرم انگاری نمود.

البته در آیه پیشین نیز به افساد فی الارض اشاره شده است؛ «من أجل ذلك كتبنا على بني إسرائيل أنه من قتل نفساً بغير نفس أو فساد في الأرض فكأنما قتل الناس جميعاً و من أحياها فكأنما أحيا الناس جميعاً» (مائده:۳۲)

مفسران ذیل این آیه بیان نموده اند که؛ فساد در زمین فقط با حرب الله و رسول او و ناامنی راههاست، بنابر آن چه خداوند بلندمرتبه در آیه بعد فرموده است. (طبرسی، ۳/ ۳۲۲؛ طوسی، تبیان، ۳/ ۵۰۳) پس این آیه توسط آیه بعد تفسیر به محاربه شده است و این آیه نمی‌تواند مستند جرم افساد فی الارض قرار گیرد.

آیا می‌توان با استدلال به این آیه، افساد فی الارض را جرم جداگانه و موجب مجازات اعدام دانست؟ آیا افساد فی الارض عنوانی عام است و جرایم توزیع مواد مخدر و ... را در بر می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد، نمی‌توان چنین استدلالی نمود، زیرا این آیه بیش از این دلالت ندارد که حکم حرمت قتل نفس در پاره‌ای از موارد یعنی در مواردی که قتل نفس در مقابل قتل نفس یا افساد در زمین باشد، منتفی است، اما بیان شروط

و قیود قتل نفس در برابر نفس و افساد، در این آیه بیان نشده است و باید از ادله دیگر بـه دسـت آورد، شـاید قید محاربه که در آیه بعد و روایات بیان شده است، شرط باشد. (هاشمی، ۱۹۹) پس با استناد بـه ایـن آیـه نمی‌توان مجوز قتل مفسد فی الارض را صادر نمود، زیرا بلافاصله آیه بعد درباره محاربی که قصد افساد فی الارض داشته محکوم به قطع، صلب، تبعید یا اعدام، شده اسـت کـه دربـاره تعیـین مجـازات اعـدام بـرای مفسد، ایجاد شبهه می‌نماید و همین شبهه به خاطر قاعده درء، برای عدم جواز تعیین مجازات اعدام کافی است.

از سویی فقها در پاره‌ای موارد، حکم به مجازات مجرم به عنوان افسـاد فـی الارض داده انـد، امـا تنهـا گاهی و در برخی موارد خاص، مانند کسی که عادت به قتل کفار ذمی کرده باشد، حکم به اعدام مفسد فی الارض داده اند. (شهیدثانی، شرح لمعه، ۵۵/۱۰) که خود نشانگر آن است کـه فقهـا نیـز بـر تعیـین اعـدام مفسد فی الارض چنین اتفاق نظری ندارند.

پس از دیدگاه فقها درباره استقلال یا عدم استقلال این جرم، اختلاف نظر است و هـیچ یـک از فقهـای امامیه برای این جرم باب جداگانه‌ای را اختصاص نداده است و از سویی درباره قلمرو این جرم نیز اختلاف است، تا جایی که برخی محققان تشخیص مصادیق و تعریف مفسد فی الارض را عرفی دانسته انـد، مبنـی بر این که: اقدام به هر عملی با قصد به فساد کشاندن گسترده جامعه اسلامی و تلاش در راستای بر هم زدن امنیت نظام اسلامی، افساد فی الارض است. (گلدوزیان، ۲۶۸) که به نظر می‌رسـد، نمـی‌تـوان مشـخص شدن قلمرو جرمی حدی و بر طبق قانون مجازات اسلامی، موجب مجازات مرگ را به عرف واگذار نمـود. رویه شارع بر آن است که در جرایم حدی، تمام شرایط لازم برای تحقق یک رفتار مجرمانه، شـیوه اثبـات و حتی چگونگی اجرای مجازات را به طور دقیق، بیان نماید. پس چنین برداشتی با رویه شارع دربـاره جـرایم حدی همخوانی ندارد.

با توجه به اختلافات موجود درباره میزان مجازات مفسد فی الارض و قلمرو آن، درباره جـرم انگـاری مستقل و تعیین مجازات برای این جرم اتفاق نظر وجود ندارد، پس قاعـده درء در ایـن جـا حکـم بـه عـدم مجازات در موارد مشکوک می‌دهد، به ویژه آن که درباره مجازات اعدام، قاعده احتیـاط در دمـاء نیـز مـانع حکم مرگ در موارد مشکوک است، پس بهترین گزینه آن است که در چنین مواردی به قدر متیقن اکتفا شود و آن یکسان دانستن جرم محاربه و افساد فی الارض است یا در صورت جدا نمودن آن‌هـا، اکتفـا بـه مـوارد حداقلی است، زیرا اگر هدف شارع جرم انگاری مستقل مفسد فی الارض به طور گسترده بود، در کتـاب و سنت به آن اشاره دقیق و بدون ابهام صورت می‌گرفت.

به هر صورت، از ارکان اصلی جرم محاربه و افساد، ایجاد نـاامنی اسـت در حـالی کـه تجـارت مـواد

مخدر چنین اثری ندارد. باز هم تنها قاچاقچیان مسلح که سلاح کشید ه اند، بر طبق قانون مجازات اسلامی و فقه اسلامی به قلمرو جرم محاربه نزدیک تر هستند تا افساد فی الارض، زیرا شاید جهت ترساندن مردم و حمل و نقل راحت مواد اقدام به چنین کاری نمایند. گروهی که به صورت باند و سازمان یافته اقدام به قاچاق می‌کنند، در صورت گستردگی عملکرد، در قلمرو افساد فی الارض قرار می‌گیرند. از این رو مانع مهم فقهی در جرم انگاری و تعیین مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر نمایان می‌شود و آن قاعده درء است که حکم به درء حدود به واسطه وجود شبهه می‌نماید، از این رو نمی‌توان تجارت مواد مخدر را افساد فی الارض و موجب اعدام دانست. از سوی دیگر بر طبق قاعده احتیاط در دماء نیز درباره مجازات مرگ باید به قدر متیقن اکتفا نمود و در موارد مشکوک باید از صدور و اجرای حکم اعدام خودداری نمود و قدر متیقن از افساد فی الارض، تجاوز به جان و مال و ناموس مردم و سلب امنیت از جامعه است و چنین معنایی، آن هم به سختی، شامل باندهایی که به طور گسترده و شبکه‌ای کار می‌کنند، می‌شود.

از دیدگاه قانونی نیز در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ مفسد فی الارض به این صورت تعریف شده است؛ «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.» با توجه به این ماده، حتی اگر بپذیریم مجازات مفسد فی الارض اعدام است و قاچاق مواد مخدر را به قلمرو این جرم بیفزاییم، از دیدگاه عنصر قانونی جرم بسیاری از مواد قانون جرایم مواد مخدر، با اشکال و ایراد روبرو هستند، زیرا در ماده ۲۸۶ ق.م.ا قانون گذار برای تحقق جرم افساد فی الارض، گستردگی عمل مجرمانه، ایجاد اخلال شدید در نظم عمومی کشور و یا ورود خسارت عمده را لازم دانسته است، در حالی که در موادی از قانون جرایم مواد مخدر، بدون وجود چنین عناصری حکم به مجازات مرگ صادر شده است. به طور مثال:

ماده۲: هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیرداروئی به کشت شاهدانه بپردازد، علاوه بر امحاء کشت بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: ... ۱- بار اول، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی... ۴- بار چهارم، اعدام.

ماده ۴: هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان

گردان‌های صنعتی غیر داروئی که فهرست آن‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱- تا پنجاه گرم، تا چهارمیلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق...

۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره- ... در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

ماده ۵: « هرکس تریاك و دیگر مواد مذکور در ماده ٤ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین‌ماده به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود:

۱- تا پنجاه گرم، تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق...

6ـ بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ٤ و ٥ حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم...

ماده ٦ ـ ....چنانچه در نتیجه تکرار جرائم موضوع بندهای مذکور از ماده ٤ میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود و ...

ماده ٨ ـ هر کس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیك اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریك اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهدشد.

1ـ تا پنج سانتی گرم، از پانصد هزار ریال تا یك میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق...

6ـ بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم...

ماده ۹: مجازات‌های مرتکبین جرائم مذکور در بندهای ۱ تا ٥ ماده ٨ ... چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجرا خواهد

شد. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس وسی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

ماده ۱۱: مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاء عام اجرا خواهد شد.

ماده ۱۸: هرکس برای ارتکاب هر یك از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آنها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت‌های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه‌گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می‌شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهدبود.

ماده ۳۵: هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یك از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یك ونیم‌برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات ازجمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود.

همان گونه که در این مواد قانونی دیده می‌شود، قانون گذار تنها به میزان مواد مخدر کشف شده، توجه نموده و آن را مبنا و ملاک تعیین مجازات اعدام قرار داده است که با مبانی فقهی و قانونی همخوانی ندارد، زیرا قانون گذار قیدهای شدید و عمده را لازم دانسته و چنین اموری با مقدار مواد مکشوفه روشن نمی‌شود و از دیدگاه فقهی نیز تجارت مواد مخدر یک جرم تعزیری است و مفسد فی الارض بر شمردن این جرم، آن هم با مسامحه کامل باند و تشکیلات گسترده می‌تواند بشود. از این رو نمی‌توان مجرمی که ۵ کیلوگرم مواد مخدر به همراه دارد را مفسد فی الارض دانست و به اجرای حکم اعدام اقدام نمود.

۷. نقدی بر طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر

نمایندگان مجلس شورای اسلامی یک فوریت طرح «الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر» را که منجر به کاهش موارد اعدام در این جرایم می‌شود را در آذرماه ۱۳۹۵، تصویب کردند که در صورت تصویب نهایی این طرح، یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده ۴۶ به قانون مبارزه با مواد مخدر الحاق

می‌شود.

«مرتکبان جرایم مرتبط با مواد مخدر در موارد زیر مفسد فی‌الارض محسوب شده و در سایر موارد که اعدام و حبس ابد در نظر گرفته شده است، به بیش از ۲۵ سال تا ۳۰ سال حبس درجه یک محکوم می‌شوند:

الف ـ مواردی که مباشر جرم یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب، سلاح گرم همراه داشته یا سلاح سرد و یا گرم کشیده باشند.

ب ـ مواردی که مرتکب بر اساس ماده ۱۸ این قانون یا ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، سردسته گروه مجرمانه سازمان یافته باشد.

پ ـ مواردی که مرتکب سابقه محکومیت به اعدام یا ۱۰ سال حبس یا بیش از آن یا گذراندن حداقل پنج سال حبس به علت ارتکاب جرایم موضوع قانون مواد مخدر را داشته باشد.

ت ـ ساخت یا تولید یا وارد کردن مواد موضوع ماده ۸ این قانون به کشور، مشروط بر آنکه بیش از ... کیلوگرم باشد».

حجم مواد حمل شده در بند «ت» این ماده در کمیسیون حقوقی و قضایی تعیین خواهد شد.

همچنین بر اساس تبصره این ماده «در مورد جرایم موضوع این قانون که حبس بیش از دو سال دارد، مرتکب الزاماً باید حداقل مجازات قانونی را طی کند و کمتر از این مدت، به جز تبصره ماده ۳۸ این قانون، مشمول معافیت، تخفیف، تبدیل، آزادی مشروط، مرخصی از زندان و سایر نهادهای ارفاقی نخواهد شد. در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی باشد، دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت ۱۰ الی ۱۵ سال تعلیق کند. این قانون شامل دارندگان محکومیت قطعی فعلی نیز می‌شود».

یک فوریت این طرح با ۱۴۷ رأی موافق، ۲۱ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۵ نماینده حاضر در صحن به تصویب رسید و کلیات و جزئیات آن نیز پس از بررسی و تصویب در کمیسیون حقوقی و قضایی در صحن مجلس بررسی خواهد شد.

تصویب این طرح گام مؤثری در راه کاهش اعدام جرایم مواد مخدر است، اما مشکلی که در این ماده وجود دارد، آن است که؛ گسترش قلمرو جرم افساد فی الارض که یک جرم حدی است، در آن صورت گرفته که از چند جنبه ایراد دارد؛

در بند الف، صرف به همراه داشتن سلاح گرم، حتی اگر آشکار نباشد، موجب تحقق افساد فی الارض شده است، در حالی که گسترده بودن و ایجاد ناامنی از لوازم تحقق جرم افساد فی الارض است، پس بهتر

است، این بند حذف شود و یا در صورت آشکار شدن سلاح و سلب امنیت و ترسیدن مردم، مرتکب در قلمرو جرم محاربه قرار گیرد.

در بند پ این ماده، تنها وجود یک بار سابقه تحمل حبس، موجب تحقق افساد فی الارض دانسته شده است، بر چه مبنایی؟ چگونه یک بار انجام یک عمل مجرمانه، موجب تحقق جرمی حدی که قانون گذار، مجازات اعدام را برای آن تعیین نموده است، می‌شود؟ با توجه به این که قانون گذار در تعریف مفسد فی الارض از قیود؛ گسترده و شدید، استفاده کرده است، چنین الحاقی به نظر صحیح نمی‌آید. از سویی حتی فقهایی که درباره شخصی که عادت به قتل اهل ذمه نموده است، با وجود اختلاف در مفسد فی الارض بودن چنین شخصی، درباره این که انجام عمل مجرمانه برای بار دوم یا سوم، موجب تحقق افساد فی الارض است، اختلاف دارند. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ١٤١٦: ١٤٤) این ایراد بر بند پ وارد است که قاعده درء، در چنین مواردی مانع صدور و اجرای حکم اعدام است. از این رو این شبهه به میان می‌آید که آیا می‌توان به صرف یک بار محکومیت و تحمل مجازات و تکرار عمل برای بار دوم، شخص را مفسد فی الارض دانست یا در مرتبه سوم چنین چیزی به واقع نزدیک تر است که با توجه به قاعده درء و این که بنای حدود بر تخفیف است، دست کم باید این حکم به مرتبه سوم اختصاص یابد یا به طور کلی این بند، حذف گردد.

و در بند ت باز هم مقدار و کمیت مواد مکشوفه به عنوان مبنایی برای جرم افساد فی الارض دانسته شده است، در حالی که کمیت مواد، هیچ ملاک و مبنایی برای تعیین گسترده بودن جرم و قصد ایجاد فساد و اخلال در جامعه نیست.... این امور با تفسیر مضیق قوانین جزائی و عدم جواز قیاس در حدود، همخوانی ندارد. درباره تعیین مجازات اعدام باید به قدر متیقن اکتفا نمود، زیرا مهم ترین مانع برای تدوین این سه بند، قاعده احتیاط در دماء است که در موارد غیر یقینی باید از صدور حکم به قتل خودداری نمود.

نتیجه گیری

هدف از تعیین و اجرای مجازات، پیشگیری عام و خاص و کاستن از آمار جرم است، اما درباره تجارت مواد مخدر با وجود سالها برخورد سخت و اعدام‌های فراوان، چنین کاهشی دیده نمی‌شود، زیرا تجارت پرسود مواد مخدر بسیار فریبنده است و مجرمین، به ویژه طبقه متوسط و فقیر، از آن چشم پوشی نمی‌کنند و این یعنی ناکارآمدی مجازات اعدام و از سوی دیگر، این شیوه برخورد موجب شده آمار اعدام در ایران به شدت افزایش یابد و در نتیجه تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تجارت مواد مخدر، دیده نشود، زیرا سایه اعدام هزاران انسان بسیار سنگین تر از آن است که کسی به علت آن توجه نماید.

کنکاشی در مبانی فقهی جرم انگاری مواد مخدر، این نکته را به روشنی می‌نمایانـد کـه تجـارت مـواد مخدر یک جرم تعزیری است و در نتیجه قانون گذار جمهوری اسلامی ایران حق تعیین مجـازات اعـدام را برای این دسته جرایم، به دلیل قاعده «التعزیر دون الحد» ندارد و تنها در صورتی می‌تواند اقدام به مجـازات اعدام، آن هم با اما و اگرهای فراوان، نماید که تجارت مواد مخدر ذیل عنوان مجرمانه افساد فی الارض قرار گیرد، که جرم انگاری آن نیز با ایراد روبرو است و نیازمند پژوهشی جداگانه می‌باشد، که در آن صورت نیز تنها برخی از مواردی که جرم قاچاق مواد مخدر موجب سلب امنیت گردد و به صورت گسترده و بـه قصـد اخلال در امنیت کشور باشد، می‌تواند موجب مجازات اعدام گردد، نه این که بر مبنای مقدار مواد مکشوفه حکم به اعدام تعیین و اجرا گردد.

از سویی مجرم انسان است و شارع مقدس اسلام به حفظ جان اهتمام ویژه‌ای دارد و نمـی‌تـوان بـدون مبنایی از قرآن و سنت به مرگ یک انسان حکم داد، زیرا شارع با توجه به این که در مجازات‌ها مسئله جان و مال و آبروی انسان‌ها در میان است، با تعیین قاعده درء الحد و احتیاط در دماء، فروج و امـوال، کـه حکـم این قواعد متوجه قانون گذار نیز می‌باشد، قانون گذار را در تعیین و اجرای مجازات محـدود نمـوده اسـت. درباره مجازات اعدام در مواد مخدر نیز این قواعد حاکم می‌باشـند، زیـرا تجـارت مـواد مخـدر یـک جـرم تعزیری است و تعیین مجازات اعدام برای آن با شبهه روبرو است و به موجب قاعده احتیاط در دماء نیز در چنین مواردی باید از حکم به اعدام و تهجم به دماء خودداری نمود. امـا متاسـفانه قـانون گـذار جمهـوری اسلامی ایران بدون توجه به این قواعد فقهی، اقدام به اعدام گسترده مرتکبین تجارت مواد مخدر نمـوده کـه شایسته است هر چه سریع تر با قانون گذاری صحیح و جایگزینی مجازات‌های دیگر به جای اعـدام، ایـن قانون را اصلاح نماید و شدت عمل در برخورد با چنین مجرمینی را به گونه‌ای دیگـر، همچـون ممنوعیـت عفو اعمال نماید.

در طرح یک فوریتی نیز که توسط مجلس تصویب شده، هـر چنـد بـه محـدودیت و نظـام منـد شـدن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر می‌انجامد، اما باز هم وجود یک بار سابقه محکومیت و اجرای حکـم حبس مواد مخدر و یا میزان مواد مکشوفه در مواردی موجب مجازات اعدام دانسته شده که با مبانی فقهی و قواعد فقهی درء و احتیاط در دماء، ناهمخوان است و بهتر است، اکنون که گامی برای اصـلاح ایـن قـانون برداشته شده است، این گام به طور شایسته برداشته شود و تا حد امکان ایـن مجـازات محـدود گـردد و بـر مبنای فقهی و حقوقی صحیح بنیان نهاده شود، یعنی یا به طـور کامـل و بـر مبنـای احتیـاط در دمـاء، ایـن مجازات حذف گردد که کاری به جا و پسندیده خواهد بود و یا طبق قانون جدید مجازات اسلامی و تعریفی که از مفسد فی الارض شده است، فقط محدود به پخش کننده‌هایی در سطح گسترده در کشور، اختصاص

یابد و تکرار در مرتبه سوم و یا چهارم را منجر به اعدام بدانند تـا چهـره نیـک و درسـتی از اسـلام و قـوانین اسلامی آن گونه که بایسته است، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، نمایان شود و جان بسیاری از انسان‌ها، بدون استناد شرعی گرفته نشود.

منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

ابن ادریس حلی، احمد، **السرائر**، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

ابن حزم اندلسی، أبی محمد علی بن أحمد، **المحلی**، بی جا: دارالفکر، بی تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۴ق.

اصفهانی، حسین بن محمد راغب، **مفردات الفاظ قرآن**، لبنان- سوریه: دارالعلم، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.

انصاری قدرت الله، انصاری، محمدجواد، بهشتی، ابراهیم، طباطبائی، علی اکبر، **تعزیرات**، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

باصری، علی اکبر، **مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوای مراجع تقلید عظام**، چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.

خامنه ای، سیدعلی، **اجوبة الاستفتائات**، بیروت: الدارالاسلامیه للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹ م.

خمینی، روح اله، **استفتائات**، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق.

خمینی، روح اله، **تحریر الوسیلة**، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

سلار بن عبدالعزیز، **المراسم العلویة**، قم: المعاونیه الثقافیه للمجمع العالمی لأهل البیت (ع)، ۱۴۱۴ق.

سید مرتضی علم الهدی، سید حسین، **الانتصار**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **المقنعة**، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

شهید اول، محمد بن مکی، **القواعد و الفوائد**، قم: کتاب فروشی مفید، بی تا.

________، **اللمعة الدمشقیة**، قم: منشورات دارالفکر، ۱۴۱۱ق.

شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم: منشورات جامعه النجف الدینیه، ۱۴۱۰ق.

شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی، **مسالک الأفهام فی شرح شرائع الاسلام**، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.

صدر، محمد باقر، **بحوث فی شرح العروة الوثقی**، نجف: مطبعة الاداب، ۱۹۷۱م، ۱۳۹۱ ق.

طباطبائی، محمدحسین، **المیزان**، قم: منشورات جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه، بی تا.

طبرسی، أبی علی الفضل بن حسن، **مجمع البیان**، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۵م، ۱۴۱۵ق.

طوسی، أبی جعفر محمد بن حسن، **الخلاف**، قم: مؤسسه النشرالاسلامی، ۱۴۲۰ق.

________، **النهایة**، قم: قدس محمدی، بی تا.

________، **تبیان**، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.

طیار, عبدالله بن محمد، **المخدرات فی فقه الاسلامی**، چاپ دوم، دار ابن جوزی، ریاض، ۱۴۱۸ ق/ ۱۹۹۷ م.

علامه حلی، حسن بن یوسف، **قواعد الاحکام**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.

فتحی بهنسی، احمد، **الموسوعة الجنائیة فی الفقه الاسلامی**، بیروت: دار النهضه العربیه، ۱۴۱۲ق.

قانون مبارزه با مواد مخدر.

قانون مجازات اسلامی.

قرافی، شهاب الدین أحمد بن ادریس، **الفروق**، بی جا: عالم الکتب، بی تا.

گلدوزیان، ایرج، احمدزاده، ابوالفضل، **بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی**، تهران: فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش۱، ۲۷۰–۲۵۵، ۱۳۸۸.

محقق اردبیلی، احمد، **مجمع الفائدة و البرهان**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.

محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، **شرایع الاسلام**، تهران: استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

محقق داماد، سید مصطفی، **قواعد فقه بخش جزایی**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.

عمید زنجانی، عباسعلی، **قواعد فقه بخش حقوق جزا**، تهران: سمت، ۱۳۸۶.

هاشمی، محمود، **محارب کیست و محاربه چیست**، فقه اهل بیت، شماره ۱۱ و ۱۲: ۱۴۳–۲۰۰، ۱۳۷۶.

هلالی، سعد الدین مسعد، **التأصیل الشرعی للخمر و المخدرات دراسة فقهیة مقارنة**، کویت، المنظمه الاسلامیه للعلوم الطیبه. ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱ م.

نجفی اصفهانی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.

نووی، محی الدین، **المجموع**، بی جا: دارالفکر، (بی تا).

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، **جامع المسائل**، قم: انتشارات امیر قلم، (۱۴۲۵ق)